فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی دوازدهم، شماره‌ی ۳، زمستان ۱۴۰۲، صفحات۱۶۲-۱۳۶

مقاله پژوهشی

مطالعهٔ عوامل زمینه‌ای احساس حقارت در بین زنان مطلقهٔ شهر تهران

رضوان اله داد[۱]؛ اعظم نژادی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۱

چکیده

این تحقیق، پژوهشی کیفی است که به دنبال یافتن عوامل زمینه‌ای احساس حقارت در بین زنان مطلقهٔ شهر تهران می‌باشد. نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر، شامل ۳۴ زن مطلقه است که در محدودهٔ سنی ۲۱ تا ۵۸ سال قرار دارند. در ابتدا پرسشنامهٔ احساس حقارت در بین زنان مطلقه توزیع شده است و افرادی که نمرهٔ بالاتر از ۴۲ را کسب کردند، با آن‌ها مصاحبه انجام شده است. گزاره‌های به دست آمده، شامل ۵ مضمون اصلی و ۲۳ مضمون فرعی و یک مضمون هسته‌ای است. مضامین فرعی به دست آمده شامل تحصیلات پدر و مادر، سطح فرهنگ خانواده، فشارهای اقتصادی، ابتلا به مواد مخدر یا مشروبات الکلی، فقدان والدین مقتدر، بیماری والدین، کنترل افراطی خانواده و جبران افراطی خانواده، رفتارهای معیوب اعضای خانواده، رفتارهای معیوب دیگران، کینه، خشم، پشیمانی، خودمتهم سازی، کناره‌جویی، ناچیزشماری، بهانه‌جویی، پرخاشگری، عدم ارضای نیازهای روانی از سوی والدین، عدم مهارت حل مسأله، تغییر حضانت فرزند و ترس از قضاوت‌های دیگران می‌باشند. مضامین اصلی اعم از زندگی قدرت طلبی و برتری جویی، روابط بین فردی ضعیف، تمایلات محافظتی و احساس نابسندگی و ناایمنی می‌باشند. مضون هسته‌ای این پژوهش با توجه به سؤال پژوهش تحت عنوان احساس حقارت است. با توجه به گزاره‌های بدست آمده، پژوهش حاضر شامل سه سنخ می‌باشد. سنخ اول، زنان مطلقهٔ کمتر از ۳۰ سال؛ سنخ دوم، زنان مطلقهٔ بالای ۳۰ سال و سنخ سوم، زنان مطلقهٔ بالای ۵۰ سال است. در هر یک از این سنخ‌ها، برخی عوامل زمینه‌ساز نسبت به سنخ دیگر، پررنگ‌تر است. در سنخ اول، کنترل و جبران افراطی خانواده، رفتارهای معیوب خانواده و دیگران و ارتباط با جنس مخالف از طریق فضای مجازی در سنخ دوم، تغییر حضانت فرزند، ارتباط با جنس مخالف و شکل‌گیری ازدواج موقت، عدم حل مسأله و استفاده از مواد و مشروبات الکلی و در سنخ سوم، کینه، خشم، پرخاشگری و پشیمانی به دست آمده است.

واژه‌های کلیدی: احساس حقارت؛ خانواده؛ زنان مطلقه؛ طلاق.

---

[۱] .استادیار گروه مشاوره، دانشکدهٔ غیردولتی ـ غیر انتفاعی رفاه، تهران، ایران (نویسندهٔ مسؤول).
Rezvan.Alahdad@gmail.com

[۲].دانشجوی کارشناسی ارشد، رشتهٔ مشاورهٔ خانواده، دانشکده غیردولتی ـ غیر انتفاعی رفاه، تهران، ایران.
azam_nejadi@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمول‌ترین نهاد اجتماعی است (غیاثی و همکاران،۱۳۹۰: ١٦٤؛ رفاهی و همکاران، ١٣٩٦: ١٦٩) که از بدو پیدایش بشر وجود داشته است (خدایاری فرد و شهابی، ١٣٨٦: ٢؛ دشت بزرگی و همکاران، ١٣٩٦: ٣٩) و تاکنون جایگزینی برای آن تعریف نشده است (پروین و همکاران، ۱۳۹۱). از این لحاظ، هر نوع تغییر و تحولات و حتی آسیبی که در نظام اجتماعی برای افراد بروز می‌کند (مهدی زاده، ۱۳۹۸: ۲۸) اعم از انحرافات شخصیت، کج‌رفتاری، بیماری‌های روانی، مشکلات ارتباطی و عدم مهارت-های اجتماعی، تا حدود زیادی ریشه در عملکرد خانواده دارد (هایمی و لرنر[3]، ٢٠١٦؛ فاگان و چرچیل[4]، ۲۰۱۲؛ راس و میلر[5]، ۲۰۰۹). وقتی کارکردهای خانواده از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند و این کاهش تدریجی، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی می‌شود و در نهایت موجب ظهور پدیده‌ای تحت عنوان طلاق می‌شود (اماتو و افیفی[6]، ٢٠٠٦). عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی و روانی خانواده، طلاق می‌باشد.

طلاق، به عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی نامطلوب در فرهنگ جوامع شرقی (چن و پیپ[7]، ۲۰۱۸) در برگیرندهٔ انحلال قانونی ازدواج و جدایی زن و شوهر (گاتمن[8]، ٢٠١٤: ١٢٣) است که منجر به شکل‌گیری مشکلات اجتماعی عدیده‌ای (ال خطیبه، ۲۰۲۲) اعم از برهم زدن نظم اجتماعی و پیامدهای فردی، اجتماعی و اقتصادی (صالح و لوپیچینی[9]، ۲۰۱۷) و پیامدهای منفی روانشناختی و هیجانی اعم از افسردگی و اضطراب برای زوج‌ها (کلانتر، روشن فکر و جواهری ۲۰۱۲ و لئوپولد و کالمجن[10]، ۲۰۱۵) و از همه مهم‌تر، از عوامل فروپاشی بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است. در مورد اینکه چه کسی در طلاق متضرر می‌شود، از «همه خانواده»، «فرزندان» سپس «زن» یاد شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۸: ۱۳۷-۱۳۶).

3 Haimi & Lerner.
4 Fagan & Churchill
5 Ross &Mller
6 Amato & Afifi.
7 Chen, M., & Yip, P. S.
8 Gottman, J. M.
9 Saleh, R. H., & Luppicini, R.
10 Leopold & Kalmijn

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

زنان مطلقه با مجموعه‌ای از فشارهای روانی که موجب بروز رفتارهای بزه‌کارانه و ناسازگارانه اعم از افزایش سوء مصرف مواد، مشکلات روحی و روانی و پرداختن به جرائم مختلف (مولوی گنجه و تقوی، ۱۳۸۹؛ ریاحی و همکاران، ۱۳۸٦)، احساس تنهایی (ارمند و اژدری، ۱۳۹۷)، پریشانی و انزوا (گلابی و شکوهی عالیشاه، ۱٤۰۰)، حق از دست دادن حضانت کودک یا ملاقات (الخطیبه[11]، ۲۰۲۲)، وابستگی مالی به دیگران (لئوپولد[12]، ۲۰۱۸) آسیب دیدن روابط اجتماعی به دلیل احساس عدم امنیت اجتماعی (رستمی و همکاران، ۱۳۸۸)، افسردگی (صادقی و همکاران، ۱۳۹٦)، اختلال هراسی، بی‌خوابی (هاجاک[13]، ۲۰۰۱) می‌شوند، در دوران بعد از طلاق مواجهه هستند. هریک از این عوامل در صورت بی توجهی و عدم رسیدگی به موقع، عزت نفس را کاهش می‌دهد و منجر به شکل‌گیری احساس حقارت (شاهوردی رضایی و همکاران، ۱۳۹٤) می‌شود.

احساس حقارت یا به تعبیر فارسی «احساس کهتری» از جمله عواطف و احساس‌هایی است که هر فرد در زندگی روزمرهٔ خود به شکلی تجربه می‌کند و تقریبا تمامی افراد بشر کمتر یا بیشتر با این احساس در گیرهستند (طاهری، ۱۳۸۵). از نظر ادلر[14]، همهٔ افراد در تجربه‌های نخستین‌شان در جریان مقایسهٔ خود با جهان اطراف، دچار ضعف و ناتوانی می‌شوند و برای غلبه بر این احساس ناخوشایند و جبران حقارت‌های خویش (خواه طبیعی باشند و خواه خیالی) تلاش می-کنند به برتری دست یابند (احمدوند، ۱۳۹٦: ۳۲). ادلر معتقد بود که منبع تمام تلاش‌های انسان احساس حقارت است. از آن‌جا که احساس حقارت همیشه در مقایسهٔ خود با دیگران به کار می-رود، داشتن چنین احساسی با احساس انزوای اجتماعی و تعلق نداشتن نیز همراه است. از عناصر تشکیل دهنده احساس حقارت، می‌توان به باور غلط، اعتقادات نامعقول، بایداندیشی، اجتناب از مشکلات، اتکاء به دیگران، تجربهٔ بد گذشته، برداشت غلط از مشکل، باور به وجود فقط یک راه حل، عزت نفس پایین، نازپروردگی، عدم استقلال، جبر متقابل در محیط زندگی، معیارهای سخت برای ارزیابی از خود، خودکارامدی تصوری، دور شدن از معیارهای اخلاقی آموخته شده (ادلر

[11] Al-Khataybeh, Y. D
[12] Leopold, T
[13] Hajak, G.
[14] Adler, A.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

۱۹۸۷) و مقایسهٔ خود با دیگران که با انزوای اجتماعی و تعلق نداشتن همراه است، اشاره کرد (هاسپر[15]،۲۰۱۳).

مطالعهٔ پیشینهٔ تاریخی طلاق نشان می‌دهد، با توجه به اینکه ساختارها و بافت فرهنگی جامعه نسبت به طلاق دیدگاه مثبتی ندارد، اما زنان جامعه، آن را فرصتی برای رهایی از مشکلات و مسائل ناهماهنگ و دشوار زندگی تعریف می‌کنند و نسبت به برخورداری از چنین حقی نظر مثبت دارند (سراج زاده، ۱۳۸۵: ۲٤). از طرف دیگر، بی توجهی و عدم آگاهی در خصوص مشکلات و مسائل زنان مطلقه در دوران بعد از طلاق، آن‌ها را با خطرات اجتماعی و صدمات جبران‌ناپذیری از جمله احساس حقارت مواجه خواهند کرد. از اهداف این پژوهش نحوهٔ گسترش و ماندگاری احساس حقارت و نتایج آن در میان زنان مطلقه با تأکید بر "عوامل زمینه‌ای احساس حقارت " بر طبق نظریه ادلر می باشد.

حساسیت نظری

نظریهٔ ادلر با مفهوم احساس حقارت (۱۹۳۷-۱۸۷۰) آغاز شد. از نظر او احساس عقدهٔ حقارت یا به تعبیر فارسی احساس کهتری از جمله عواطف و احساس‌هایی طبیعی است که در زندگی روزمرهٔ هر فردی وجود دارد و آن را با توجه به ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، تجربه می‌کند (طاهری، ۱۳۸۵). انسانها به کمک این احساس، انگیزهٔ لازم را دریافت می‌کنند و برای مراحل بالاتری از رشد برانگیخته می‌شوند (پروچاسکا و نورکراس[16]، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

از دیدگاه ادلری، رفتار انسان صرفا نشأت گرفته از محیط و وراثت نمی‌باشد، بلکه هر فردی با توجه به تفسیر و تحلیل رویدادها و نوع نگاه و اثری که دارد، آن رویداد را مجددا با نوع نگاه خویش خلق می‌کند. به نظر ادلر، هیچ علت واحد یا عامل مستقیمی به رفتار معینی منتهی نمی-شود. بنابراین رفتار، تابعی از عوامل تأثیرگذار است (سامرز فلناکن، ۱۳۹۲: ٦۷). پس، وراثت به اندازه‌ای که ما تصمیم می‌گیریم با نقاط ضعف و قدرت خود چگونه برخورد کنیم، اثرگذار نمی-باشد. در صورتی که کوشش برای برتری یافتن به دیگری باشد، این نوع کوشش از نظر ادلر، آسیب روانی تلقی می‌شود. در حقیقت احساس حقارت در هر فردی به طور طبیعی وجود دارد و در صورتی که از حد تجاوز نکند، سبب پیشرفت و ترقی آدمی (شولتز، ۱۳۸٤: ۱٤٤)، انگیزهٔ انجام

[15] Hasper, J.
[16] Prochaska, J. O & Norcross, J.C.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

اهداف (رکمن[17]، ۲۰۰۹: ۱۱۹) و حرکت او به سوی کمال می‌شود (ماسک و میانیاچی[18]، ۱۹۹۹: ۸۰). بنابراین هر فردی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، از روش‌های خاصی برای رسیدن به تکامل استفاده می‌کند که با احساس حقارت ارتباط دارد (ال جورج و اس کریستیانی[19]، ۱۳۹۱: ۷۷).

در صورت تبدیل شدن احساس حقارت به عقدهٔ حقارت، هر فردی در جهت رفع نقص و کاهش احساس حقارت خود به رفتارهای ناسازگارانه و غیرسالم و در بعضی موارد، ضد اجتماعی دست می‌زند (اسپربر[20]، ۱۳۷۹: ۱۳). از نظر ادلر، کلید سلامت روانی و بهزیستی هر فردی، تشویق (تشویق و دلگرمی) در برابر (یأس و ناامیدی) می‌باشد (فلناگن و فلناگن[21]، ۱۳۹۲: ٦۱). در حقیقت، عقدهٔ حقارت زمانی شکل می‌گیرد که احساس حقارت در فرد به واسطهٔ دلسردی یا شکست تشدید شود (سولتانا و کابیر[22]، ۲۰۱۸: ۳).

از نظر ادلر، صفات و ویژگی‌هایی اعم از تکبر، جاه طلبی، حسادت، رشک، طمع و تنفر (ادلر، ۱۳۷۹: ۱۳۳-۱۵۷)، پرخاشگری، زورگویی، خودستایی، پرمدعا بودن و طلبکاری (منوچهریان، ۱۳٦۸: ١٤)، انتقام‌جویی، ظاهرسازی، انعطاف و نرمش موضعی، تناقض رفتاری و کاربرد ابزاری از دین و اعتقادات (اسپربر، ۱۳۷۹: ۳٦-۱۱۳)، تحمیل ارادهٔ خود به دیگران (هجل و زیگلر[23]، ۱۳۷۹: ۱۰۲)، مطالبه خواسته‌های غیر واقعی و توهمی، توقع بی‌جا از دیگران، مقصر دانستن دیگران در خصوص اشتباهات و قصورهای خود و تشویش و هراس داشتن (ایون[24]، ۲۰۰۳ :۱۰۲) در درون آدم‌هایی که دارای عقدهٔ حقارت هستند، وجود دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش «تحلیل تماتیک» یا «تحلیل مضمون[25]»، جهت تجزیه و تحلیل داده-ها بهره گرفته شده است. در روش تحلیل مضمون که مبتنی بر رهیافت تفهم تفسیری است، تحلیل نوع خوانش و درک سوژه‌های مورد مطالعه و معنایی که زنان مطلقه از احساس حقارت دارند، هدف اصلی و بنیادی تحقیق پژوهش است. تحلیل مضمون ، عبارت است از تحلیل متن

[17] Ryckman, R. M.
[18] Mosak, H. and Maniacci, M.
[19] L. George, R & Christiani, T.S.
[20] Sperber, M.
[21] Flanagan, s & Flanagan
[22] Sultana, A. and Kabir, M. S.
[23] Hejl. L. E & Ziegler, D. J.
[24] Ewen, R.
[25] Thmatic Analysis

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

مبتنی بر استقرای تحلیلی که طی آن پژوهشگر، از راه طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی از یافته دست می‌یابد (کراسول[۲٦]، ۲۰۰۳؛ دیپوی و گیلتین[۲۷]،۲۰۰۵).

شرکت کنندگان در این پژوهش ۳٤ زن مطلقهٔ دارای احساس حقارت و ساکن شهر تهران بودند. در مرحلهٔ اولیه، پرسشنامهٔ احساس حقارت که توسط خدادادی و بهرامی در سال (۱۳۹۱) ساخته شده است، در بین زنان مطلقه توزیع شد و افرادی که نمرهٔ آن‌ها بالاتر از ٤۲ بود، شناسایی شدند و سپس با آن‌ها مصاحبه صورت گرفته است. نمونه‌گیری در این پژوهش، با منطق نمونه-گیری هدفمند انجام شده است. زمانی که محقق به این نتیجه رسید که انجام تعداد بیشتر مصاحبه-ها، اطلاعات بیشتری در اختیار وی نمی‌گذارد و صرفا تکرار اطلاعات قبلی است، در این حالت محقق، گرداوری اطلاعات را متوقف کرده است.

جدول شمارهٔ یک- اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد	سن	مدت طلاق	تحصیلات	شغل	مستقل/ با خانواده	تعداد فرزندان
۱	۲۸	٤	کاردانی	ارایشگر	با خانواده	۱ با مادر
۲	۲۵	۲	کارشناسی	منشی	با خانواده	بدون فرزند
۳	۲٤	۳	کاردانی	فروشنده لباس زیر در اینستا	با خانواده	بدون فرزند
٤	۳٦	۸	کارشناسی	مدیر روابط عمومی	مستقل	۱ با پدر
۵	۳۳	٦ ماه	کارشناسی	کارشناس فرهنگی	با خانواده	۱ با پدر
٦	۲۷	٦ ماه	دیپلم	خانه دار	با خانواده	بدون فرزند
۷	۲۹	۵	دیپلم	بافندگی با ماشین در خانه	با خانواده	بدون فرزند
۸	۲۳	۱/۵	کاردانی	خانه دار	با خانواده	بدون فرزند
۹	۲۹	۳	کارشناسی	معلم	با خانواده	۱ با مادر
۱۰	۳٤	۱	کارشناسی	خانه دار	مستقل	۱ با مادر
۱۱	۲۱	۲ ماه	دیپلم	خانه دار	با خانواده	بدون فرزند
۱۲	۲۷	۱	کارشناسی ارشد	قوه قضائیه	با خانواده	بدون فرزند
۱۳	۵۸	۲۸	راهنمایی	بازنشسته	مستقل	۲ ازدواج کرده
۱٤	٤۳	۱۳	ارشد	معلم اموزشگاه	مستقل	۱ با پدر
۱۵	۲٤	۲	کاردانی	فروشنده کیف و کفش	با خانواده	بدون فرزند
۱٦	٤۵	۱۵	کارشناسی ارشد	مدیر روابط عمومی	مستقل	۱ با مادر

[26] Creswell, J.
[27] Depoy, E., & Gitlin, L.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

۱۷	۲۱	۷ماه	دیپلم	خانه دار	با خانواده	بدون فرزند
۱۸	۵۳	۲۲	دیپلم	ارایشگر	مستقل	۱ با مادر
۱۹	٤۱	۱۳	کارشناسی	مدیر تور	مستقل	۱ با مادر
۲۰	۳۰	۳	کارشناسی	مدیر امور بازرگانی	با خانواده	بدون فرزند
۲۱	۳۹	۱۳	دیپلم	منشی	مستقل	۱ با مادر
۲۲	٥٤	۱	دیپلم	خانه دار	مستقل	۲ با مادر
۲۳	٥۱	۱٤	کارشناسی	معلم	مستقل	بدون فرزند
۲٤	٥۱	۱۷	دیپلم	خانه دار	مستقل	۲ با پدر
۲٥	٤۳	۱۲	کارشناسی ارشد	حسابدار	مستقل	۱ با مادر
۲٦	٥۳	۱۸	کاردانی	کارمند	مستقل	۲ با مادر
۲۷	٤۲	۱٥	ارشد	کار خونگی	مستقل	۱ پیش پدر
۲۸	۲٤	۲	کاردانی	فروشنده خانگی	خانواده	بدون فرزند
۲۹	٥۳	۲۸	راهنمایی	خانه دار	مستقل	۲ با مادر
۳۰	٤۷	۱۷	کارشناسی ارشد	مشاور	مستقل	۲ با مادر
۳۱	٤٥	۱٥	کارشناسی	روانشناس	با خانواده	۱ ازدواج کرده
۳۲	۲۸	۳	کارشناسی	فروشنده	با خانواده	۱ با مادر
۳۳	٤۹	۲۰	کارشناسی ارشد	مشاور	مستقل	۱ مهاجرت
۳٤	۳۸	۱۰	کارشناسی	ارایشگر	مستقل	۱ با پدر

یافته‌های تحقیق

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و تجزیه و تحلیل نقل قول‌ها و تجربیات زنان مطلقه نسبت به دوران بعد از طلاق، محققان با توجه به سؤال پژوهش «عوامل زمینه‌ای احساس حقارت چیست؟» داده‌های بدست آمده را بررسی و کدگذاری کرده است.

۱- مضامین فرعی زیر مجموعهٔ مضمون اصلی سبک زندگی

۱-۱ تحصیلات پدر و مادر

در صورت برخورداری والدین از سواد کم، چالش‌هایی اعم از عدم موفقیت، برخورداری از حالات هیجانی مثل افسردگی و اضطراب (بندورا و پاستورلی، باربارانلی و کاپرارا[۲۸] ۱۹۹۹؛ مدوکس[۲۹]، ۱۹۹۵) ومواجهه با استرس (مدوکس، ۱۹۹۱) زنان مطلقه را تهدید می‌کند.

[28]Bandura, A., Pastorelli, C., Barbaranelli, C. and Caprara, G. V.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

کد ١٤، اشرف ٤٣ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌گوید:

«پدرم تا راهنمایی درس خونده و کارگر است. خیلی دوست داشت من درس بخونم، ارشد گرفتم، اما تا همین که برام خواستگار پولدار آمد، می خواست بال در بیاره، بهش گفتم بابا من هفته پیش برام خواستگار اومد، من از اون اقا خوشم اومده. همه اش گفت اون پسر از خودش هیچی نداره. اگر می خواهی باهاش زندگی کنی باید قید ما رو بزنی. این مرد پولداره. مدام به من از سختی زندگیمون از بی پولی حرف میزد، اینم شدآاخر ازدواج من، طلاق ، البته بابام درست میگفت، این مرد پول داشت و همه چی رو فکر می کرد با پول میتونه بخره. اما هر روز با یه زنی وارد رابطه می شد، وقتی هم اعتراض می‌کردم، می‌گفت مگه چی کم داری، الان قرص ارامبخش می خورم تا سرپا باشم».

۲-۱ سطح فرهنگ خانواده

اختلافات خانوادگی معلول عوامل فرهنگی اعم از خودمحوری انسان و عدم پذیرش ویژگی‌های فردی دیگران مانع بزرگی برای برقراری ارتباط مؤثر با اعضای خانواده و دیگران است. عدم آگاهی نسبت به شرایط کنونی و تلاش برای فراهم‌اوری نیازها و خواسته‌های خود مطابق با ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های خانوادگی منجر به فزونی توقعات و بیگانگی اعضا از یکدیگر می‌شود (سالاری فر، ۱۳۹۳).

کد ۷، زهرا ۲۹ ساله دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

«وقتی اقدام به طلاق کردم، فکر می‌کردم که همه چیز بعد از طلاقم به خوبی پیش میره. حداقل پُست‌های دوستام تو اینستا این‌رو می‌گفت. مادر و پدرم فوت کردن و من و خواهرم که اصلا با هم رابطهٔ خوبی نداریم تو یه خونه مستاجری زندگی می‌کنیم. فامیل این طورین که مدام سراغمون رو می‌گیرن؛ فراموش کردن من طلاق گرفتم و خواهرم هم به سنی رسیده که می‌تونه برای خودش تصمیم بگیره، مدام دخالت می‌کنن و گوشزد می‌کنن که مراقب باشیم که نکنه ابروشون بره».

۳-۱ فشارهای اقتصادی

کد ٦، پریسا ۲۷ ساله دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

«میخوام برای خودم کار کنم تا بتونم اون چیزهایی که دوست دارم و آرزوش رو داشتم رو بخرم. مامانم میگه تو الان تو شرایطی نیستی که بخواهی کار کنی، بعد هم اینهایی که میگی نیاز

[29] Maddux, J. E.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

داری، مهم نیستند. از دستشون خیلی عصبانی شدم و قرص خوردم تا بمیرم. ولی اوضاعم فرقی نکرد».

٤-۱ ابتلا به مواد مخدر یا مشروبات الکلی

نارضایتی از شغل، زندگی، ظاهر، موقعیت و یاداوری خاطرات موجب ناراحتی و خستگی زنان مطلقه شده و انها برای رهایی از شرایط موجود به مواد روی می اورد (مطیعی، ۱۳۸۷: ٤۸). اعتیاد منجر به تنزل اعتبار و منزلت اجتماعی، کاهش روابط فامیلی، بیماری های روانی و جنسی و غیره می شود (قاسمی روشن، ۱۳۸۲).

کد ۲٦، طاهره ۵۳ ساله دارای مدرک کاردانی می‌گوید:

«احساس می‌کنم، کسی رو ندارم براش درد دل کنم، دخترام دم بخت هستن و جرأت اینکه بگم ازدواج بکنید رو ندارم. با اینکه کار می‌کنم، اما نمی‌تونم حتی هزینه‌های دم دستیم رو هم بدم. بیشتر وقت‌ها دیگران کمکم می‌کنن. یکی از دخترام کار می‌کنه، هر چی در میاره، خرج خودش میشه، دومی هم افسردگی داره، همه اش تو خونه است. از وقتی شوهرم رو با یه زن خراب دیدم، سیگاری شدم البته اون موقع کم می‌کشیدم، بعد از طلاقم به خاطر مشکلاتی که برام پیش اومد، تنهایی، دربه دری، بلاتکلیفی، بی خانمانی، بیماری سیگار کشیدنم شد روزی یک بسته، الان هم ریه‌هام رو به خاطر سیگار از دست دادم. اینم وضع دندونهام شده».

۵-۱ بیماری والدین

کد ٤، سیما ۳٦ ساله دارای مدرک کارشناسی می‌گوید:

«رئیسم بهم گفته اگر اینطوری بیایی سرکار، عذرت رو می‌خوام. نمی‌دونم چکار باید بکنم. پدرم دیالیزیه و باید یک روز درمیون بره بیمارستان. به مادرم می‌گم با بچه‌های دیگه رفتن اقاجون به دیالیز رو نوبتی کن، میگه اونا شوهر دارن و داداشت هم می‌خواد زن بگیره، نمی‌تونه. انگار بیکارترین و بدبخت ترین کسی که تو این خونه باید تو هر شرایطی گوش به فرمان اینها باشه، منم».

٦-۱ کنترل و جبران افراطی خانواده

خانواد، زنان مطلقه، برای در امان ماندن از قضاوت‌های منفی مردم (ننگ دانستن طلاق) سعی می‌کنند که کنترل بیشتری اعم از رفت و آمد، نظارت بر طرز پوشش و ساعت ورود و خروج) را بر روی دختران خود داشته باشند. کنترل‌گری خانواده سبب نارضایتی و انزوا، خستگی و فشارهای روحی و روانی زنان مطلقه شده است (عسگری باغمیانی و جوادیان، ۱۳۹٦).

کد ۹، زینب ۲۹ ساله دارای مدرک کارشناسی می گوید:

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

«خانواده‌ام یادش رفته که من ۵ سال زندگی مشترک داشتم و نباید باهام مثل یه دختر بچه که هیچی نمیفهمه رفتار کنن. به همه چیم گیر می‌دن. چرا اینطوری با بچه‌ات رفتار می‌کنی. چرا به بچه ات این اجازه رو میدی. چرا با دوستات قرار میزاری. چرا بچه‌ات رو می‌خواهی بزاری مهدکودک. می‌خواستم بزارم بچه‌م رو مهدکودک مامانم نزاشت. الان هم میگه خسته شدم و بمون تو خونه بچه‌ات رو نگه دار. می‌گم پس کارم چی؟ میگه چه نیازی داری که کار کنی؟ هر کاری می‌خوام بکنم جلوم رو می‌گیرن. از این وضعیت خسته شدم».

کد ۳۰، مینا ٤۷ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌گوید:

«بعد از طلاقم خونهٔ پدریم رفتم. خیلی با محبت هستن. همه حواسشون به من بود. کجا میرم کجا میام. نگران بودن که شوهر سابقم مشکلی برام پیش بیاره. اوایل برام لذت بخش بود چون خودم هم از شوهر سابقم می‌ترسیدم و این توجه رو یه نیاز اساسی برای خودم می‌دونستم، اما بعد از اینکه همه چی آروم شد و دیگه شوهرم هم بی خیال شد، انگار تازه متوجه رفتارهاشون شده بودم و خیلی آزارم میداد که باید همهٔ کارهام رو گزارش بدم. الان آرامبخش می‌خورم تا بی خیال این رفتارها بشم».

۷-۱ ارتباط با جنس مخالف

کد ۲۱، سیما ۳۹ ساله دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

«با آقایی وارد رابطه شدم، فکر می‌کردم اگر با این آقا باشم، دیگه غم و غصه هام تموم میشه، کمک خرجم میشه و خلاصه میشه روش حساب کرد. بچه‌ام کوچیک بود این آقا بهم گفت که نیازی نیست بچه‌ات رو هر روز بزاری مهدکودک. روزهای که من خونه‌م، میام پیشش. با خودم گفتم که چه مرد خوبی. من احمق اصلا فکر نکردم که ممکنه بچه‌ام رو اذیت کنه. یک روز پسرم خیلی حالش بد شد به طوری که از شدت ترس تشنج کرد. مرتیکه اشغال بهم زنگ زد و گفت زود بیا. بعد هم گفت باید برم، زنم منتظرم هست. بچه‌ام که به حال اومد شروع کرد از خوابی که دیده حرف زدن. باورم نمی‌شد که یک نفر انقدر رذل باشه که با سوسیس بچه‌م رو تحت فشار قرار بده».

۲- مضامین فرعی زیر مجموعهٔ مضمون اصلی "قدرت‌طلبی و برتری‌جویی والدین"

۲-۱ رفتارهای معیوب اعضای خانواده و دیگران

یکی از علائم خانواده‌های استبدادی وجود رفتارهای معیوب بین اعضای خانواده می باشد. به طوری که یکی از اعضای خانواده تصمیم می‌گیرد و دیگران اجازهٔ مخالفت کردن با او را ندارند. از این‌رو، افرادی که در این خانواده هستند، معمولا شخصیتی تابعی دارند و به راحتی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

مورد سوء استفاده دیگران قرار می‌گیرند (کیهانی، ۱۳۸٤). در این نوع خانواده‌ها، در صورت مخالفت و تبعیت نکردن از والدین جهت تربیت فرزندان از تنبیه استفاده می‌شود (موسی نژاد، ۱۳۷۸).

کد ۱۱، زهره ۲۱ ساله دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

«پدرم همیشه دنبال این است که حرفش رو به کرسی بشونه. ازدواج من هم با اصرار پدرم انجام شد. وقتی ازدواج کردم شوهرم شروع کرد به بد گفتن و ایراد گرفتن از بدنم، بدتر اینکه بهم می‌گفت در مورد مادرت حرف بزن، تا من بتونم باهات نزدیکی کنم. منم نتونستم علت رو به پدرم توضیح بدم. به مامانم هم که گفتم، گفت اگر بابات بفهمه خون راه میفته. خلاصه گفتم من این آقا رو دوست ندارم و با هزار مکافات طلاق گرفتم. پدرم از زمانی که برگشتم کافیه حرف بزنم، مدام بهم میگه تو که عرضه نداشتی شوهر به این خوبی رو نگه داری، حرف زندنت دیگه چیه».

کد ۱۵، فرشته ۲٤ ساله دارای مدرک کاردانی می‌گوید:

«چند وقته احساس می‌کنم، همه اومدن تا منو اذیت کنن. مثلا دخترهای فامیل تا منو می‌بینن از قصد جلوی من دست شوهرشون رو می‌گیرن، طوری رفتار می‌کنن که مدام من آزار میبینم. وقتی به مامانم میگم، میگه می‌خواستی بمونی تو زندگیت و زندگیت رو درست می‌کردی».

۳- مضامین فرعی زیر مجموعهٔ مضمون اصلی "روابط بین فردی ضعیف"

الگوهای ارتباطی آشفته در بین خانواده‌های طلاق، سلامت روان زنان مطلقه را تحت تأثیر قرار خواهد داد (سیفرت وشوارتز[30]، ۲۰۱۱). زنان مطلقه به دلیل تجارب و هیجان‌های منفی، خواه ناخواه فشارهای روانی اعم از کینه، خشم و پیشمانی را تجربه می‌کنند (استوارت و همکاران[31]، ۲۰۰۰). همین مسأله منجر به ویژگی‌های مثبت روان‌شناختی در سطحی پایین شده است (امین الرعایا و همکاران، ۱۳۹۵).

۱-۳ کینه

کد ۷، زهرا ۲۹ ساله دارای مدرک کارشناسی می‌گوید:

«حرف‌هایی که خواهرم به دیگران میگه منو خیلی ناراحت میکنه، میگه از شوهرش جدا شده، چون دوست پسر داشته، میگه وقتی من نیستم خونه، دوست پسرش رو میارش خونه، تازگی‌ها هم گفته که من بهش گفتم شب‌ها دیر بیا تا من بتونم با دوست پسر باشم. بقیه هم

[30] Siffert, A. & Schwarts, B
[31] Stewart, K., Vandell DL, McCartney K, Owen MT, Booth C

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

حرفش رو باور می‌کنن. البته حق دارن. گریه و زاری میکنه، خودش را به شیون و ناراحتی میزنه، بنده خداها هم فکر میکنن، راست میگه، بعد هم وقتی منو میبینن، شروع می‌کنن به نصیحت و واخ و وای کردن. منم طور دیگه‌ای تلافی می کنم، مثلا یک روز خیلی حالش بد بود و من داشتم می‌دیدم چطوری به خودش می‌پیچه، اومدم ببرمش دکتر، یاد حرف‌هاش افتادم، فقط بهش نگاه کردم و رفتم تو اتاقم. باورتون نمیشه، اورژانس اومد تو خونه، اما من حتی بیرون نرفتم».

۲-۳ خشم

کد ۱۱، زهره ۲۱ ساله دارای مدرک دیپلم می گوید:

«یشتر از دست خودم عصبانی هستم. درسته ازدواجم بیشتر خواسته پدرم بود و کسی هم نمیتونه بهش حرفی بزنه، اما مگر الان طلاق نگرفتم، پس چرا اونموقع پام رو تو یه کفش نکردم بگم این مرد رو دوست ندارم. وقتی عقد کردم، شب که پیش هم خوابیدیم، شروع کرد به گفتن اینکه چرا جای خصوصیت سیاهه، چرا لاغره و از این حرف‌ها که حتی گفتنش باعث شرمم میشه. من هم دیوونه شدم و گفتم نمی‌خوامش، پدرم فکر کرد، باهاش لج کردم، من از خودم از کسی که منو تحقیر کرد، از پدرم و مادرم خیلی عصبانیم، از بعد از طلاقم در حد نیاز باهاشون حرف می‌زنم».

۳-۳ پشیمانی

کد ۲٤، ربابه ۵۱ ساله دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

«بخاطر اینکه وضع مالی خوبی نداشتیم، با شوهرم قرار گذاشتیم که طلاق بگیریم تا بتونیم از حقوق پدری من استفاده کنیم، این کار رو کردیم. بعدش هم محرم شدیم. بعد از یک سال شوهرم اومد و گفت دیگه تو رو نمی‌خوام ، می‌خوام ازدواج کنم. باورم نمی‌شد که بخواد باهام این کار رو کنه، یه ضرب‌المثلی هست که میگه مثل چوپون بی مزده طرف. من دقیقا این بلا سرم اومد، الان هم روم نمی‌شه به دیگران بگم خودم باعث این طلاقم، چاقی، سیگار کشیدن، علت طلاق همه و همه مقصرش منم».

٤- تمایلات محافظتی

یکی دیگر از مضامین اصلی که به دست آمده است، تمایلات محافظتی است که دارای ۵ مضمون فرعی خود متهم‌سازی، کناره‌جویی، ناچیزشماری، بهانه‌جویی و پرخاشگری می‌شود. تمایلات محافظتی الگوهای رفتاری خاص برای حفاظت از برملاشدن احساس حرمت نفس ضعیف را خلق می کند (ادلر، ۱۳۷۹،).

۱-٤ خود متهم‌سازی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

کد ۳۳، سحر ۴۹ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌گوید:

«تمام مدتی که جدا شدم را کار کردم، الان یه ماشین پژو دارم که اونم خراب و قراضه شده، قبلا وضعم بهتر بود، هزینه‌ها انقدر بالا نبود و راحت با پولی که در میاوردم زندگیم می‌گذشت، اما الان همهٔ پولی که در میارم رو میدم کرایه و هزینه‌های جانبی و معیشتی. خیلی ناراحتم از اینکه ازدواج نکردم، مدام با خودم میگم چرا اینقدر بی فکرانه عمل کردم. الان طوری وانمود می‌کنم انگار از هیچی ناراحت نیستم. به همه می‌گم چه خوبه که ازدواج نکردم، این تظاهر من رو از همه بیشتر بهم می‌ریزه».

۴-۲ کناره‌جویی

کد ۱۶، نیره ۴۵ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌گوید:

«با اینکه حلقه دستم می‌کنم و به همه گفتم شوهر دارم. کلی دروغ هم سرهم کردم. اما باز هم نمی‌تونم نسبت به سؤال‌هاشون و حرف‌هاشون در امان باشم. انقدر سوال می‌کنن که گیج میشم و یادم میره که چی باید بگم. الان مدتهاست که دیگه تو دورهمی‌ها شرکت نمی کنم».

۴-۳ ناچیز شماری

کد ۲، سمیه ۲۵ ساله دارای مدرک کارشناسی می‌گوید:

«وقتی به دیگران میگم، شوهرم را با کسی دیدم و به همین خاطر طلاق گرفتم، شروع می-کنن به گفتن دیگه الان کی بخاطر این چیزها طلاق می‌گیره، باید می‌موندی و آدمش می‌کردی، تو مگه بچه‌ای، اوایل فکر می‌کردم، برخی‌ها این نظر رو دارن. اما بعد از ۶ ماه دیدم که همه همین رو میگن، شروع کردم به دروغگویی و گفتن علتی دروغی».

۴-۴ بهانه جویی

کد ۱۰، مونا ۳۴ ساله دارای مدرک کارشناسی می‌گوید:

«همیشه حرف باید حرف من باشه، اگر کسی برخلاف خواستهٔ من چیزی می‌گفت، اون روز جهنم می‌شد. الانم دیگه حوصلهٔ خودم و بقیه رو ندارم. همیشه یه چیزی میگم و اعلام آمادگی برای انجام آن می‌کنم، اما بعدش پشیمون می‌شم و اونو انجام نمی‌دم. کلی براش تفسیر میارم که به خاطر این کار رو نکردم».

۴-۵ اتهام زنی

کد ۳۲، مریم ۲۸ ساله دارای مدرک کارشناسی می‌گوید:

« می‌خواستم لباس بخرم تو خونه بفروشم به سرمایهٔ اولیه نیاز داشتم، به شوهر خواهرم گفتم اونم جلوی خواهرم گفت چرا که نه، کی از تو بهتر. منم خوشحال که چه مرد خوبی، یک روز

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

زنگ زد ومن هم فکر کردم می‌خواد شماره کارت بگیره، بهم گفت کارت دارم، کجا هم رو ببینیم، گفتم بیا خونه مامان اینا، گفت نه مسائل کاری را نباید خونه برد، باز هم منو بیشتر شیفته اخلاقش کرد. رفتم بیرون و بعد از کمی این پا و اون پا ، گفت اگر می‌خواهی بهت پول بدم باید باهام بخوابی، از اون موقع به همهٔ مردها بدبینم. تا کسی بهم نزدیک میشه، با خودم فلسفه بافی می‌کنم و هر جا که برسم بدش رو می‌گم».

۵- احساس نابسندگی و ناایمنی

زنان به عنوان انتقال دهندهٔ فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه در صورتی که به امنیت آنان توجه نشود، خلاء عاطفی و فقدان احساس امنیت در آنها می‌تواند آسیب‌های جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد (موحد و همت، ۱۳۹۲).

۵-۱ عدم ارضای نیازهای روانی از سوی والدین

کد ۲، سمیه ۲۵ ساله دارای مدرک کارشناسی می‌گوید:

«به یاد ندارم، یک بار مادرم منو طوری بغل کنه که احساس کنم، میتونم بهش تکیه کنم، یا اینکه اگر گرفتار بشم ، به تنها کسی که زنگ بزنم اون باشه، به نظرم اگر هزاران نفر هم باشند، نمی‌تونن جای مادرم رو بگیرن. این برام خیلی دردآور است که در این سن این نیازم هنوزم باقی مانده و با یادآوریش حالم بد میشه».

۵-۲ عدم مهارت حل مسأله

از آنجا که طلاق به عنوان یک بحران جدی تأثیر منفی را در تمام ابعاد زندگی زنان مطلقه نمایان می‌کند، از این‌رو، مهارت حل مسأله به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار جهت سازگاری و رضایت فرد از شرایط جاری اهمیت بسزایی دارد (نظری فر و همکاران، ۱۳۹۶).

کد ۱۲، مهین ۲۷ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌گوید:

«بیشتر زمان‌ها وقتی مشکلی پیش میاد، می‌ندازم گردن یکی دیگه. وقتی هم خودم می‌خوام حل کنم انقدر اون مشکل رو پیچیده می‌کنم که توش یه موضوع دیگه درمیاد. مثل همین الان. شوهرم دست بزن داشت. اما وضع بدی نداشتیم. هر چی می‌خواستم برام می‌خرید. منم خیلی کل کل می‌کردم تا کتک می‌خوردم. شاید اگر کل کل نمی‌کردم، کتکم نمی‌زد».

۵-۳ تعرض به فرزندان

کد ۳۳، سحر ۴۹ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌گوید:

«بعد از طلاقم به خونهٔ پدریم رفتیم. بعد از زمانی به خاطر احساس خفگی که داشتم تصمیم گرفتم خونهٔ مستقل برای خودم بگیرم. دنبال این بودم که زندگیم رو بهتر کنم. اما فشارهای

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

اقتصادی امانم رو برید و تنها راهکار بودن با یک فردی بود که دستش به دهن می‌رسید. خوب خرجمان می‌کرد، اما در عوضش هر چی فحش و ناسزا بود، نثارمان هم می‌کرد. هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم در کنار بدهن بودن، عوضی هم هست. یک روز که همه با هم خوابیده بودیم، متوجه شدم، دخترم نفس نفس می‌زند، وقتی بیدار شدم، دیدم شوهرم رفته کنار دخترم و جای خصوصیش رو چسبونده به دخترم، هر وقت به این موضوع فکر می‌کنم، روانی می‌شم. اگر این قرص‌های آرامبخش نباشه که من می‌میرم».

٤-٥ تغییر حضانت فرزند

کد ۲۷، معصومه ٤۲ ساله دارای مدرک کارشناسی ارشد می‌گوید:

«وقتی جدا شدم، دخترم باهام زندگی می‌کرد، اما شوهر سابقم حتی نفقهٔ بچه‌ام رو نمیداد، بعد از طلاقم تو سرکارم آبروریزی کرد و من مجبور شدم که از آنجا بیرون بیام. خیلی شرایط سختی داشتم. حتی پول نداشتم برای بچه‌ام وسایل اولیه‌اش رو بخرم. بعد از مدتی تصمیم گرفتم که دخترم رو بدم به پدرش، این کار رو کردم، اما افسردگی گرفتم و بقیه به جای اینکه علت اصلی این کار من رو بپرسن، دنبال حرف‌های مفت بودن، مثل اینکه حتما زیر سرش بلند شده و از این مزخرفات».

۵-۵ ترس از قضاوت‌های دیگران

کد ۳۱، فریبا ٤۵ ساله دارای مدرک کارشناسی می‌گوید:

«با اینکه روانشناسی خوندم، ولی به خاطر اینکه طلاق گرفتم، وقتی تو جمع خانوادگی هستم، با کسی حرف نمی‌زنم و اگر سألی ازم بپرسن، می‌ترسم راحت جوابشون رو بدم. فکر می‌کنم، الان چیزی بگم، بهم میگن تو که انقدر بلدی چرا زندگیت اینطوری شد. با اینکه من بعد از طلاقم درس خوندم ولی هنوز نتونستم خودم رو پیدا کنم، شاید یکی دیگه از علت‌هاش این باشه که مامانم هیچوقت باور نداشت که زن می‌تونه برای خودش تصمیم گیرنده باشه».

جدول شمارهٔ دو-مضامین فرعی، اصلی و هسته‌ای عوامل زمینه‌ای احساس حقارت در زنان مطلقه

مضامین فرعی	مضامین اصلی	مضمون هسته‌ای
تحصیلات پدر و مادر	سبک زندگی	احساس حقارت
سطح فرهنگ خانواده		
فشارهای اقتصادی		
ابتلا به مواد مخدر یا مشروبات الکلی		
فقدان والدین مقتدر		
بیماری والدین		
کنترل و جبران افراطی خانواده		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

ارتباط با جنس مخالف		
رفتارهای معیوب اعضای خانواده	قدرت‌طلبی و برتری-جویی	
رفتارهای معیوب دیگران		
کینه	روابط بین فردی ضعیف	
خشم		
پشیمانی		
خود متهم‌سازی	تمایلات محافظتی	
کناره‌جویی		
ناچیز شماری		
بهانه جویی		
پرخاشگری		
عدم ارضای نیازهای روانی از سوی والدین	احساس نابسندگی و ناایمنی	
عدم مهارت حل مسأله		
تغییر حضانت فرزند		
ترس از قضاوت‌های دیگران		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

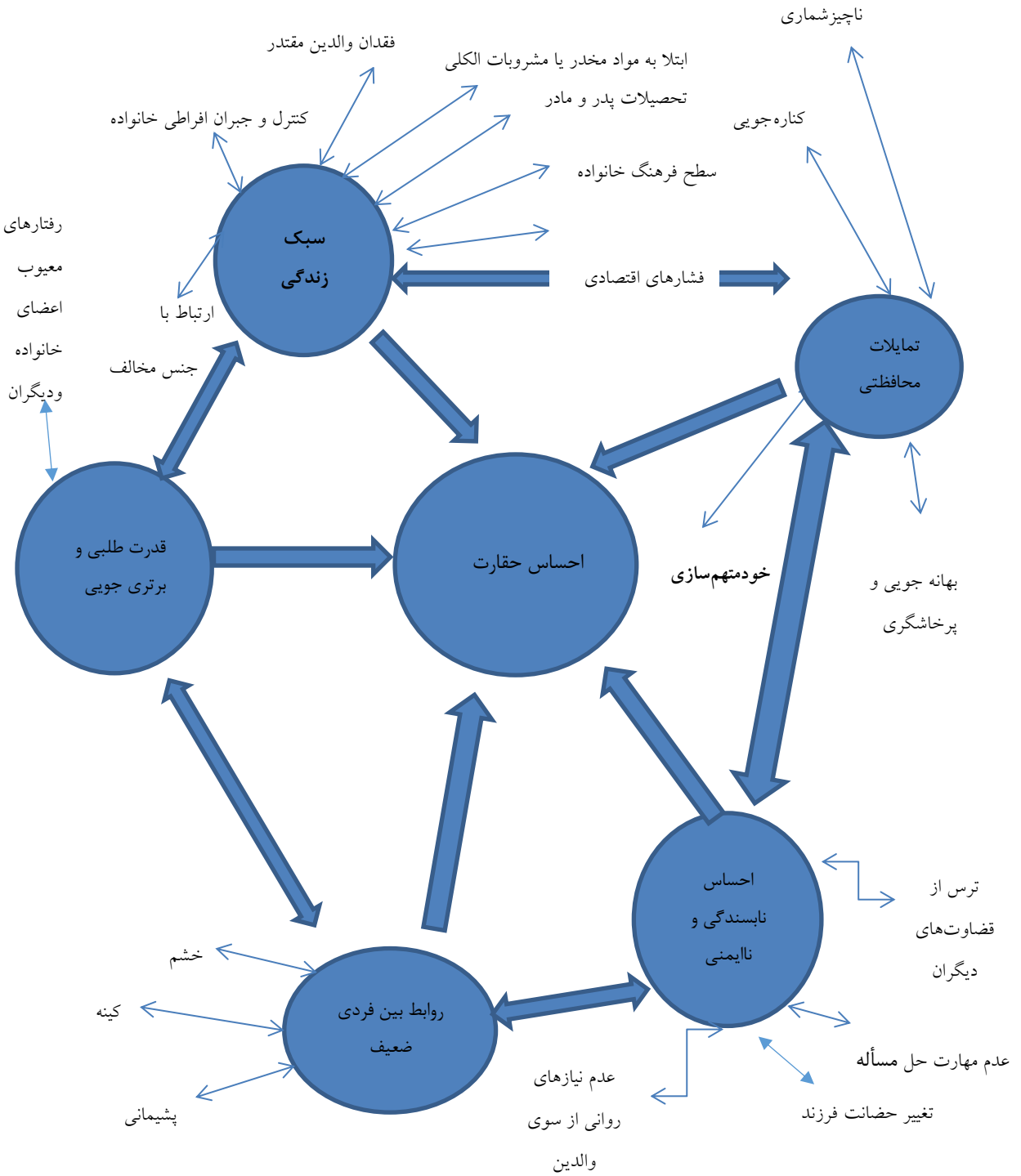

نمودار شمارهٔ یک- عوامل زمینه‌ای احساس حقارت در زنان مطلقه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

بحث و نتیجه‌گیری

گزاره‌های به دست آمده به عنوان عوامل زمینه‌ساز احساس حقارت در دوران بعد از طلاق شامل ۵ مضمون اصلی و ۲۳ مضمون فرعی و یک مضمون هسته‌ای است. مضامین فرعی به دست آمده شامل تحصیلات پدر ومادر، سطح فرهنگ خانواده، فشارهای اقتصادی، ابتلا به مواد مخدر یا مشروبات الکلی، فقدان والدین مقتدر، بیماری والدین، کنترل افراطی خانواده و جبران افراطی خانواده، رفتارهای معیوب اعضای خانواده، رفتارهای معیوب دیگران، کینه، خشم، پشیمانی، خودمتهم سازی، کناره‌جویی، ناچیزشماری، بهانه‌جویی، پرخاشگری، عدم ارضای نیازهای روانی از سوی والدین، عدم مهارت حل مسأله و تغییر حضانت فرزند، ترس از قضاوت‌های دیگران، مضامین اصلی اعم از زندگی قدرت‌طلبی و برتری‌جویی، روابط بین فردی ضعیف، تمایلات محافظتی و احساس نابسندگی و ناایمنی و مضون هسته‌ای این پژوهش با توجه به سؤال پژوهش تحت عنوان احساس حقارت است. هر یک از این عوامل با توجه به نظریهٔ ادلر هر آسیبی، آسیب دیگر را تولید می‌کند با یکدیگر در ارتباط هستند. اما برخی از این عوامل با توجه به ردهٔ سنی مصاحبه شوندگان نسبت به عوامل دیگر، اثرات پررنگ‌تری داشته است. به همین علت تحقیق حاضر با توجه به یافته‌های پژوهش به سه سنخ؛ زنان مطلقهٔ کمتر از ۳۰ سال، زنان مطلقهٔ بین ۳۰-۵۰ سال و زنان مطلقهٔ بالاتر از ۵۰ سال طبقه‌بندی شده است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

برخی از زنان مطلقه کمتر از ۳۰ سال به دلیل تجربهٔ کم و فقدان مهارت‌های اجتماعی در هنگام ورود به دوران بعد از طلاق در مواجهه با رفتارهای دوگانهٔ خانواده (مجردی و مطلقه بودن) دچار رفتارهای ناسازگارانه می‌شوند. خانواده که نگران قضاوت‌های منفی دیگران است از مکانیسم دفاعی کنترل و جبران افراطی استفاده می‌کند و زنان مطلقه به دلیل عدم پذیرش این شرایط و ناتوان از گفتگو کردن و حل مسأله، نسبت به ادامهٔ زندگی بی رمق می‌شوند. برخی از زنان در این سنخ، برای رهایی از رفنارهای آزاردهنده ومعیوب اعضای خانواده و دیگران، کشیدن سیگار و خوردن مشروبات الکلی و برخی دیگر ارتباط با جنس مخالف از طریق فضای مجازی و گفتگو کردن با آن را انتخاب کرده‌اند. در برخی از مصاحبه شوندگان نتیجهٔ این انتخاب اقدام به خودکشی، افسردگی، کینه و خشم بوده است. عوامل"کنترل‌گری و جبران افراطی خانواده" با یافته‌های پژوهش اهرنبرگ و همکاران[۳۲] (۱۹۹۱)، بندورا[۳۳] (۱۹۹۹)، گراس و همکاران[۳۴] (۱۹۹۵)، هوور ، باسلرو بریسی.[۳۵](۱۹۹۲)، بیدول و ندرمی[۳۶] (۲۰۰۰)، طهماسیان (۱۳۸٤)، اسکوگان[۳۷]

[32] Ehrenberg, M. F. & Cox, D. N., Koopman, R. F.
[33] Bandura, A
[34] Gross, D., Fogg, L. & Tucker, S.
[35] Hoover, K. V., Bassler, O. C. & Brissie J. S

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

،۱۹۸۷: ۱٤۰)، حسنی و همکاران (۱۳۹۳)، شفیعی نیا، حسینیان و ابوالمعالی الحسینی(۱٤۰۰)، قلی زاده، بانکی پور فرد و مسعودی نیا (۱۳۹٤) و نوابی نژاد و همکاران (۱۳۹٦) هم‌سو می‌باشد.

در صورتی که خانواده قادر به درک شرایط و موقعیت دختران مطلقه خود نباشد و با کنترل-گری و جبران افراطی شرایط زندگی را برای آن‌ها سخت و طاقت فرسا کند، این زنان زندگی مستقل را انتخاب می‌کنند و به سنخ بعدی راه پیدا می‌کنند.

اکثریت زنان مطلقهٔ بالای ۳۰ سال انتخاب زندگی مستقل را برای رهایی از خانهٔ پدری انتخاب می‌کنند و مشکلات متعددی اعم از وضعیت نابسامان اقتصادی، عدم حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی خانواده و نهادهای دولتی و رفتارهای منفی و آزاردهندهٔ دیگران، ارتباط با جنس مخالف و تغییر حضانت فرزند را تجربه می‌کنند. بیشتر این زنان به هنگام تنگناهای اقتصادی و رفع نیازهای جنسی ارتباط با جنس مخالف "ازدواج موقت" را جایگزین ازدواج دائم کرده‌اند. نتیجهٔ این ازدواج برای برخی از زنان با فرزند، تعرض به فرزند است و برای بعضی دیگر، تماس وحشیانه به هنگام هم‌خوابی است و برای برخی پاتوق شدن خانهٔ خانم مطلقه برای مهمانی‌های خارج از عرف در هنگام ارتباط با جنس مخالف به صورت ازدواج موقت بوده است. اکثریت زنان مطلقه برای رهایی از فشارهای اقتصادی و فکر و خیال‌های منفی به مواد مخدر و مشروبات الکلی پناه آورده‌اند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های پژوهش هایمی و لرنر[38] (۲۰۱٦)، فاگان و چرچیل[39] (۲۰۱۲)، راس و ملیر[40] (۲۰۰۹)، برزوکی و همکاران[41] (۲۰۱۵)، بوئر و همکاران[42] (۲۰۱٦)، فالر و اشمیت[43] (۲۰۱٤)، برتبرگ و تجتا[44] (۲۰۰۸)، مونی[45] (۲۰۰۹)، عراقی (۱۳۸٦)، خلج آبادی فراهانی و مهریار، (۱۳۸۹) همسو است.

در صورتی که ازدواج در این سنخ صورت نگیرد و زنان مطلقه به سنخ بالای ۵۰ سال برسند، اکثریت آن‌ها از شرایط و موقعیت خود به دلیل ازدواج فرزندان، یادآوری خاطرات در دوران زندگی مشترک و دوران بعد از طلاق، از دست دادن والدین، دوری از اعضای خانواده، نسبت به خود و اطرافیان احساس خشم، نفرت و کینه دارند. آن‌ها اعضای خانواده، به خصوص

[36] Bidwell, L. M., Vandermey, B. j.
[37] Skogan, W. G.
[38] Haimi M, Lerner A
[39] Fagan, P. F., & Churchill, A.
[40] Ross, L. T., & Miller, J. R.
[41] Barzoki, M. H., Tavakoll, M., & Burrage, H.
[42] Bauer, J. J., Schwab, J. R., & McAdams, D. P.
[43] Faller, H., & Schmidt, M.
[44] Bratberg & Tjetta
[45] Mooney

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]
[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

والدین را مقصر این تنهایی خود می‌دانند و عنوان می‌کنند، باید خانواده موقعیت آن‌ها را بعد از طلاق درک می‌کرد تا آن‌ها به سمت زندگی مستقل نروند. آن‌ها به این اصل معتقدند که ساختن زندگی مستقل، بدون حمایت اقتصادی و اجتماعی خانواده، سخت و طاقت فرسا است و به همین علت آن‌ها در مواجه با تنگناهای اقتصادی و تأمین نیازهای عاطفی و جنسی، ارتباط با جنس مخالف را بهترین راه حل در این شرایط می‌دانند. ساختن زندگی همراه با ازدواج موقت فرصت فکر و تأمل برای ترمیم خود و ارتباط و تعامل با دیگران را از آن‌ها می‌گیرد. اکنون که این زنان زندگی خود را مرور می‌کنند، عنوان می‌کنند: "اکنون زندگی که از نظر مادی بتواند بر طبق خواسته و میل آن‌ها باشد، وجود ندارد و از سویی دیگر، خانواده و همسری که بتوانند در هنگام تنهایی، بیماری و مواجه با مشکل به آن اتکا کنند، وجود ندارد". یافته‌های بدست آمده با یافته-های مضمون روابط بین فردی، با یافته‌های پژوهش استراوس[۴۶] (۲۰۱۹)، اوندر[۴۷] (۲۰۱۲)، مک نایت[۴۸] (۲۰۰۹)، گاتمن و لونسون[۴۹] (۲۰۱۵)، یازومیتسوا و ساتوکوب[۵۰] (۲۰۲۰) هم‌سو است.

اکثریت زنان مطلقه در پاسخ به سؤالات دیگران چرا ازدواج نکردی؟ یا اینکه الان که تنها هستی از شرایطت راضی هستی؟ یا اینکه دوست داری به گذشته برگردی و دوباره زندگی خود را بسازی؟ و سؤالاتی با این مضمون، عنوان می‌کنند؛ "*مگر دیوانه‌ام که با کسی ازدواج کنم که خودم را اسیر کنم*"؛ "*چرا راضی نباشم، حداقل کسی نیست بهم امر و نهی کنه*"، آن‌ها بیشتر با جواب‌هایی که از عزت نفس ضعیف‌شان محافظت کند، به سؤالات اعضای خانواده و دیگران پاسخ می‌دهند. در صورتی که همان‌طور که نتیجهٔ مصاحبه‌ها نشان می‌دهد؛ آن‌ها نسبت به موقعیت ظاهری، اقتصادی و اجتماعی خود احساس پشیمانی، خشم، کینه و نفرت دارند.

[46] Straus, R. B.
[47] Önder, N. İ. H. A. N.
48 McKnight, B. A.
[49] Gottman, J. M., & R. W. LEVENSON,
[50] Yasumitsu, J., & Satoko, A.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

منابع

۱. ال جورج، ریکی و ترز اس کریستیانی (۱۳۹۱) **روان‌شناسی مشاوره، نظریه‌ها، اهداف و فرایندهای مشاوره و روان درمانگری**، ترجمهٔ رضا فلاحی و محسن حاجیلو، تهران: رشد.

۲. احمدوند، محمد علی(۱۳۹٦) **بهداشت روانی**، تهران: پیام نور.

۳. ادلر، الفرد (۱۳۷۹) **شناخت طبیعت انسان از دیدگاه روان‌شناسی**، ترجمهٔ طاهره جواهرساز، تهران : رشد.

٤. ارمند، محمدعلی و آرام اژدری (۱۳۹۷) «زندگی زنان پس از طلاق با رویکرد کیفی (مطالعهٔ موردی: شهرستان شاهین دژ)»، **پژوهش‌های جامعه‌شناختی**، سال دوازدهم، شمارهٔ سوم و چهارم: ۷-۲۵.

۵. اسپربر، مانس (۱۳۷۹) **تحلیل روان‌شناختی استبداد و خودکامگی**، ترجمهٔ علی صاحبی، تهران: ادب و دانش.

٦. امین الرعایا، رضوان؛ کاظمیان، سمیه و معصومه اسمعیلی (۱۳۹۵) «پیش‌بینی تحمل بر اساس مؤلفه‌های ارتباطی خانوادهٔ مبدأ در زنان مطلقه و غیر مطلقه»، **زن و جامعه**، سال هفتم، شمارهٔ چهارم: ۹۱-۱۰٦.

۷. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۸) **خانوادهٔ ایرانی**، تهران: علم.

۸. پروچاسکا، جیمز، او و جان سی نورکراس (۱۳۸۷) **نظریه‌های روان درمانی**، ترجمهٔ یحیی سید محمدی، تهران: سروش

۹. پروین، ستار؛ داودی، مریم و فریبرزمحمدی (۱۳۹۱) «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی»، **شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده**، ۱٤ (٥٦): ۱۱۹-۱۵۳.

۱۰. حسنی، رضا؛ قدرتی، حسین و مهناز امیرپور (۱۳۹۳) «پیامدهای طلاق برای زنان مطلقهٔ شهر مشهد (یک پژوهش کیفی)»، **مطالعات علوم اجتماعی ایران**، ۱۱ (٤۲): ٤۹-۳۳.

۱۱. خدادادی، مجتبی و معصومه بهرامی (۱۳۹۱) **پرسشنامهٔ احساس حقارت**، مؤسسهٔ تحقیقات علوم رفتاری شناختی سینا.

۱۲. خدایاری فرد، محمد و روح الله شهابی (۱۳۸٦) «رابطهٔ نگرش مذهبی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، **خانواده پژوهی**، سال چهارم، شمارهٔ ۱۰: ٦۲۰-٦۱۱.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

۱۳. خلج آبادی فراهانی، فریده و امیرهوشنگ مهریار (۱۳۸۹) «بررسی نقش خانواده در ارتباطات با جنس مخالف قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران»، خانواده پژوهی، (٦) ٢٤: ٤٦٨-٤٤٩.

١٤. دشت بزرگی، زهرا؛ عسگری، مهرانا و پرویز عسگری (١٣٩٦) «اثر بخشی آموزش شفقت خود بر میل به طلاق و نگرش‌های صمیمانهٔ زنان متأهل مراجعه کننده به مرکز مشاورهٔ خانواده»، **دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی**، دورهٔ ۱۸، شمارهٔ ۱: ٤٥-٣٨.

۱۵. رستمی، رضا؛ رضایی، سعید؛ حسینی، سیده بنفشه و فاطمه گازرانی (۱۳۸۸) «سبک دلبستگی زوجین در حال طلاق»، **مهندسی فرهنگی**، شماره‌های ۳۷ و ۳۸: ٥٤-٤٦.

١٦. رفاهی، ژاله؛ میرزایی جابری، بهنام و رضا زارعی، رضا (١٣٩٦) «اثربخشی تحلیل ارتباط متقابل (TA) بر تغییر قصهٔ عشق و دلزدگی زناشویی زنان»، **زن و جامعه**، سال هشتم، شمارهٔ نخست: ١٨٣-١٦٧.

۱۷. ریاحی، محمد اسماعیل؛ علیوردی نیا، اکبر و سیاوش بهرامی کاکاوند (۱۳۸٦) **تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، پژوهش زنان**، ٥(٣): ١٤٠-١٠٩.

۱۸. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۳) **بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی**، چاپ سوم، تهران: سمت.

۱۹. سامرز فلناکن، جان (۱۹۵۳) **نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی در زمینه و عمل، راهبردها، مهارت‌ها و فنون**، ترجمهٔ مجتبی تمدنی، مهران آزادی و بهمن بهمنی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

۲۰. سراج زاده، سیدحسین (۱۳۸۵) **چالش‌های دین و مدرنیته: مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن**، تهران: طرح نو.

۲۱. شاهوردی، جمیله؛ رضایی، منصور؛ ایازی روزبهایی، مریم؛ صادقی، خیراله؛ بختیاری، میترا و مریم شاهوردی (١٣٩٤) «رابطهٔ سلامت عمومی با شادکامی، احساس حقارت و تعارضات زناشویی در زنان نابارور شهرستان بروجرد»، **دانشکدهٔ پرستاری و مامایی**، دورهٔ ۲۵، شمارهٔ ۹۰: ٥٤-٤٧.

۲۲. شفیعی نیا، اعظم؛ فرزاد، ولی اله؛ حسینیان، سیمین و خدیجه ابوالمعالی الحسینی (١٤٠٠) «تجربهٔ زیستهٔ زنان مطلقه با طلاق‌های غیرمنتظره، یک پژوهش کیفی»، **خانواده درمانی کاربردی**، ٢(٤): ٢١٤-١٩٢.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

۲۳. شولتز، دوان (۱۳۸٤) **نظریه‌های شخصیت**، ترجمهٔ یوسف کریمی، سیامک نقشبندی، هادی بحیرایی، بهزاد گودرزی، محمدرضا نیکخو و فرهاد جمهری، تهران: ارسباران.

۲٤. طاهری، حبیب الله (۱۳۸۵) «عقدهٔ حقارت و راهکارهای درمان آن در منابع اسلامی»، **پژوهش‌های دینی**، ۲(٤): ۳۰-۵.

۲۵. طهماسیان، کارینه (۱۳۸٤) «**مدل‌یابی خوداثرمندی در افسردگی نوجوانان براساس مدل عاملیتی بندورا از افسردگی**»، رسالهٔ دکتری روان شناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی، تهران.

۲٦. عراقی، سید عزت الله (۱۳۹٦) **طلاق و مسائل آن کدامند**، تهران: راهنما.

۲۷. عسگری باغمیانی، اشرف و سید رضا جوادیان (۱۳۹٦) «فشار مضاعف زندگی، پیامد اصلی طلاق در زنان: یک مطالعهٔ کیفی»، **تحقیقات علوم سلامت**، ٦(٤): ٤۳٦-٤۲۷.

۲۸. غیاثی، پروین؛ روستا، لهراسب و مرضیه براری (۱۳۹۰) «بررسی عوامل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه خانواده شیراز»، **جامعه و زنان**، سال اول، شمارهٔ ۳: ۷۷-۱۰٤.

۲۹. فلناگن، جان سامرز و ریتا سامرز فلناگن (۱۳۹۲) **نظریه‌های مشاوره و روان درمانی در زمینه و عمل مهارت ها، راهبردها و فنون**. ترجمهٔ مجتبی تمدنی و مهران آزادی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.

۳۰. قاسمی روشن، ابراهیم (۱۳۸۲) «از اعتیاد تا نابسامانی خانواده»، **مطالعات راهبردی زنان**، شمارهٔ ۲۲: ۱۳۰-۱۵۱.

۳۱. قلی زاده، آذر؛ بانکی پور فرد، امیرحسین و زهرا مسعودی نیا (۱۳۹٤) «مطالعهٔ کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل فرهنگی زمینه‌ساز طلاق»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، ۲٦(۱): ۳۹-٦٤.

۳۲. کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیام و جلوه جواهری (۱۳۹۰) «آثار و پیامدهای طلاق مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۷٦-۱۳۹۰)»، **زن در توسعه و سیاست**، دورهٔ ۹، شمارهٔ ۳: ۱۱۱-۱۳۱.

۳۳. کیهانی، مسیح الله (۱۳۸٤) «**بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

۳٤. گلابی، فاطمه و احد شکوهی عالیشاه (۱٤۰۰) «جنسیت و تمایز عادت‌واره: بررسی مقایسه‌ای فهم و تجربهٔ زنان و مردان در مواجهه با طلاق (مورد مطالعه: شهر تبریز)»، **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ۲: ٥٤۹-٥٦۰.

۳۵. مطیعی، ناصر **(۱۳۸۷)** «فرصت‌هایی برای فرزندان زنان سرپرست خانوار»، **مجلهٔ زنان**، ۸(۵۳): ۵۸-۳۵.

۳٦. منوچهریان، پرویز (۱۳٦۸) **عقدهٔ حقارت: شناخت تحلیلی و راه درمان آن**، تهران: گوتنبرگ.

۳۷. موحد، مجید و صغری همت (۱۳۹۲) «مطالعهٔ عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان»، **زن و جامعه**، شمارهٔ ۲: ۸۲-۵۵.

۳۸. موسی نژاد، علی (۱۳۷۸) «**بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش پسران نوجوان و جوان زندان به مواد اعتیاد آور**»، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد؛ دانشگاه اصفهان.

۳۹. مولوی گنجه، سجاد و مهدی تقوی زاده (۱۳۸۹) «بررسی نقش عوامل جامعه‌شناختی بر بروز طلاق در زندانیان زندان مرکزی رشت»، **اصلاح و تربیت**، شمارهٔ ۹۹: ۳۷-۳۳.

٤۰. مهدی زاده، سید محمد (۱۳۹۸) **نظریه‌های رسانه اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی**، تهران: همشهری.

٤۱. نظری فر، محسن؛ سودانی، منصور؛ خجسته مهر، رضا و حمید فرهادی راد (۱۳۹٦) «تبیین عوامل مؤثر در سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه: یک پژوهش کیفی»، **تحقیقات کیفی در علوم سلامت**، سال ششم، شمارهٔ ٤: ٤۷۷-٤۹۲.

٤۲. نوابی نژاد، شکوه؛ محمدی، رزگار؛ کریمی، یوسف و عفت فلاح (۱۳۹٦) «معنای طلاق از دیدگاه فرد مطلقه: یک مطالعهٔ کیفی پدیدارشناسانه»، **زن و جامعه**، ۸ (۳): ۱۱٦-۹۳.

٤۳. هجل، لاری. ای و زیگلر، دانیل (۱۳۷۹) **نظریه‌های شخصیت: مفروضه‌های اساسی، پژوهش و کاربرد**، ترجمهٔ علی عسگری، ساوه: دانشگاه ازاد اسلامی.

44. Al-Khataybeh, Y. D. (2022) «The consequences of divorce on women: An exploratory study of divorced women problems in Jordan». **Journal of Divorce & Remarriage**, 63(5), 332–351. https://doi.org/10.1080/10502556.2022.2046396.

45. Amato, P. R., & Afifi, T. D. (2006) «Feeling caught between parents: Adult children's relations with parents and subjective well-being». **Journal of Marriage and the Family**, 68: 222–235.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

46. Bandura, A. (1999) «A social cognitive theory of personality. In L. Perving and O. John (Ed.) », **Handbook of Personality** (2nd ed., pp. 154-196). New York: Guilford Publications.

47. Bandura, A., Pastorelli, C., Barbaranelli, C. and Caprara, G. V. (1999) «Self-efficacy pathways to childhood depression». **Journal of Personality and Social psychology**, 76, 258-269.

48. Barzoki, M. H., Tavakoll, M., & Burrage, H. (2015) «Rational-emotional divorce in Iran», **Applied Research in Quality of Life**, 10 (1), 107-122.

49. Bauer, J. J., Schwab, J. R., & McAdams, D. P. (2016) «Self-actualizing: Where ego development finally feels good? ». **The Humanistic Psychologist**, 39(2), 121-136.

50. Bidwell, L. M., Vandermey, B. j. (2000). **Sociology of The Family**. Boston: Allyn and Bacon.

51. Bratberg ,Espen & Tjetta ,Sigve (2008) «Income effects of divorce in families with dependent children» ,**J Popul Econ** 21:439–461.

52. Chen, M., & Yip, P. S. (2018) «Decomposing the crude divorce rate in five countries: Singapore, Taiwan, South Korea, the UK, and Australia». **Asian population studies**, 14(2), 137-152. https://doi.org/10.1080/17441730.2018.1452380.

53. Creswell, J. (2003) **Research Desing: Quantitative, Qualitative, and Mixed Methods**, London Sage Publication.

54. Depoy, E., & Gitlin, L. (2005) **Introduction to reserch: Understanding and Applying Multiple Strategies** (3rd ed). St. Louis: Mosby Press.

55. Ehrenberg, M. F., Cox, D. N., Koopman, R. F. (1991) «The relationship between self-efficacy and depression in adolescents». **Adolescence,** *26*, 102, 361-374.

56. Ewen, R. (2003) **an Introduction to Theories of Personality**. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.

57. Fagan, P. F., & Churchill, A. (2012) «The effects of divorce on children». **Marriage & Religion Institute**, 12, 1-48.

58. Faller, H., & Schmidt, M. (2014) «Prognostic value of depressive coping and depression in survival of lung cancer patients». **Psycho-Oncology: Journal of the Psychological, Social and Behavioral Dimensions of Cancer**, 13(5), 359-363.

59. Gottman, J. M. (2014) «What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes». Psychology Press Rouillon, F. & Martineau, C. (1997). **Epidemiology of panic disorder. Biological Psychology**, 04(1), 19-08.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

60. Gottman, J. M., & R. W. LEVENSON, (2015) **"A Two-Factor Model for Predicting When a Couple Will Divorce"**. Family Process.

61. Greshman, F., & Elliott, S. (1999) **The social skills rating system**. Criclepines MN: American Guidance services.

62. Gross, D., Fogg, L. & Tucker, S. (1995) «The Efficacy of Parent Training for promoting Positive Parent Toddler Relationship». **Research in Nursing & Health**, 18, 489-499.

63. Haimi M, Lerner A (2016) «The Impact of Parental Separation and Divorce on the Health Status of Children, and the Ways to Improve it». **J Clin Med Genomics** 4: 137. doi:10.4172/2472-128X.1000137.

64. Hasper, J. (2013) **Management of inferior feelings and addictive behaviors**. Available at: www.alfredadler.edu/.../ Hasper%20MP%202013.

65. Hajak, G. (2001) «Epidemiology of sever insomnia and its consequences in Germany», ***European Archive of Psychiatry and Clinical Neuroscience*,** 051(0), 49-56.

66. Leopold T, Kalmijn M. (2015) Is Divorce More Painful When Couples Have Children? **Demograph**, NO 6: 1717-1742.

67. Maddux, J. E. (1991) «Self-efficacy». In snyder and Forsyth (Eds.), **Handbook of Social and Clinical Psychology: The Health Perspective** (pp. 57-78). Elmsford, NY: Pergamon Press.

68. Maddux, J. E. and Lewis, J. (1995) **Self-Efficacy, Adaptation, and Adjustemnt: Theory, Research, and Application**. New York: Plenum Press.

69. Mooney. Ann, Oliver. Chris and Smith. Marjorie (2009) «Impact of Family Breakdown on Children's Well-Being. Evidence Review». **Thomas Coram Research Unit Institute of Education, University of London**. ISBN 978 1 84775 450 9.

70. Mosak, H. and Maniacci, M. (1999) **A Primer of Adlerian Psychology (The analytic – behavioral – cognitive psychology Adler)**. London: Routledge.

71. Önder, N. İ. H. A. N. (2012) **The mediating role of coping strategies in the basic personality traits-PTG and locus of control-PTG relationships in breast cancer patients**. Middle East technical University.

72. Ross, L. T., & Miller, J. R. (2009) «Parental divorce and college students: The impact of family unpredictability and perceptions of divorce». **Journal of Divorce & Remarriage**, 50(4), 248-259.

73. Ryckman, R. M. (2008) **Theories of Personality**. Belmont: Thomson Wadsworth.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]

74. Saleh, R. H., & Luppicini, R. (2017) «Exploring the challenges of divorce on Saudi women». **Journal of Family History**, 42(2), 184-198. https://doi.org/10.1177/0363199017695721.

75. Siffert, A. & Schwarts, B. (2011) «Spouses demand and withdrawal during marital conflict in relation to well-being». **Journal of Social and Personal Relationships**, 28(2): 262-277.

76. Skogan, W. G. (1987) «The Impact of Victimization on Fear, Sage Publications», **Crime & Delinquency**, Vol. 33, No. 1, PP. 135-154.

77. Stewart, K., Vandell DL, McCartney K, Owen MT, Booth C (2000) «Effects of Parental Separation and Divorce on Very Yong Children», **Journal of Psychologhy**, 14(2).

78. Straus, R. B. (2019) «Discussion, part II: psychoanalytic reflections on the impact of separation and divorce: high-conflict parents and their children: the inside story», T**he Psychoanalytic Study of the Child**, 72 (1), 51-55.

79. Yasumitsu, J., & Satoko, A. (2020) «Reliability and Validity of the Fisher Divorce Adjustment Scale: Japanese and Japanese Short Versions». **Journal of Divorce & Remarriage**, 61 (7), 487-503.

80. Leopold, T. (2018) «Gender differences in the consequences of divorce: A study of multiple outcomes». **Demography**, 55 (3), 769-797.

81. Hoover, K. V., Bassler, O. C. & Brissie J. S. (1992) «Parent Efficacy, Teacher Efficacy and Parent –school relations». **Journal of Education and Research**, 85, 287-294.

82. McKnight, B. A. (2009) **An Exploratory Study of the Experience of Individuals Cohabitating Through the Process of Divorce**. Alliant International University, California School of Professional Psychology, San Diego.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-16]

[DOI: 10.61186/scds.12.3.137]